

# بررسی سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی در نوجوانان بزهکار و غیر بزهکار در شهر اردبیل

جواد هاشمی<sup>۱</sup>، مرتضی عندهلیب<sup>۲</sup>، بهروز شیرانه<sup>۳</sup>، اسحاق قربانی آذر<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۲/۳۱  
صفحه: ۱۲۴-۱۰۴

## چکیده

با توجه به روند رو به رشد بزهکاری در ایران از یک سو و پیامدهای زیان‌بار آن مانند بالا رفتن هزینه‌های اجتماعی و شخصی، بررسی شناسایی عوامل پیش‌بین در رفتارهای بزهکارانه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است زیرا شناخت این عوامل می‌تواند نقطه عطفی برای امر پیشگیری باشد. در این پژوهش، به توصیف بعضی از عوامل پیش‌بین بزهکاری نظیر سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی پرداخته شده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و گذشته‌نگر است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه مددجویان مراکز اصلاح و تربیت و دانش‌آموزان دبیرستانی مشغول به تحصیل در شهر اردبیل در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ تشکیل می‌دهند. بدین منظور تعداد ۳۰ دانش‌آموز غیر بزهکار و ۱۵ دانش‌آموز بزهکار به ترتیب از مدارس عادی و مراکز تأدیبی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از دو پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی هازن و شیور و عوامل شخصیتی نوگرآوری شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل رگرسیون لجستیک مورد تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که دو سبک دل‌بستگی اجتنابی به صورت مثبت و سبک دل‌بستگی ایمن به صورت منفی عضویت در گروه بزهکاری را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی می‌کند. همچنین ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجور خوبی به‌طور مثبت و سازگاری به‌طور منفی قادر به پیش‌بینی عضویت در گروه بزه‌کاری هست. نتایج پژوهش حاضر دارای تلویحاتی در زمینه برنامه‌های آموزشی خانواده‌هاست به‌نحوی که در آن به خانواده‌ها آموزش داده شود تا به‌نحوی با فرزندان برخورد نمایند که موجب ایجاد دل‌بستگی ایمن در فرزندان شود.

**کلیدواژه‌ها:** سبک‌های دل‌بستگی، عوامل شخصیتی، بزهکاری، جرم

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد روانشناسی، پژوهشگر دفتر تحقیقات کاربردی j.hashemi30@yahoo.com

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری روانشناسی، دانشگاه تبریز.

<sup>۳</sup>. کارشناس، همکار پژوهشی دفتر تحقیقات کاربردی.

<sup>۴</sup>. کارشناس ارشد، همکار پژوهشی دفتر تحقیقات کاربردی.

## مقدمه و بیان مسئله

برخی از پژوهشگران دوره‌ی نوجوانی را دوران طوفان و فشار نامیده‌اند، در این دوره نوجوان به دنبال هویت و استقلال خود است (لورا، ۱۳۸۴: ۲۵۶۲). بعضی از نوجوانان در این دوره درگیر فعالیت‌های بزهکارانه و ضداجتماعی می‌شوند که سلامت روان آن‌ها را به خطر می‌اندازند، می‌شوند. به این دلیل، هر ساله در کشورها، هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی صرف آن می‌شود که پیامدهای فعالیت‌های بزهکارانه را به حداقل رسانند. در این خصوص مطالعات زیادی انجام شده است که سعی بر آن است که به ریشه رفتارهای ضداجتماعی و بزهکاری پی برده شود.

بزهکاری برای توصیف افرادی به کار می‌رود که قبل از سن قانونی مرتکب رفتارهایی شده‌اند که توسط دادگاه‌های ویژه نوجوانان به‌عنوان رفتارهای غیرقانونی تلقی می‌شوند. عموماً به رفتارهایی اشاره دارند که اگر افراد بزرگسال مرتکب آن شوند، به‌عنوان رفتارهای مجرمانه تلقی می‌شوند. یک نوجوان بزهکار کسی است که به‌طور معمول زیر سن ۱۸ سالگی قرار دارد و مرتکب اعمال بزهکارانه شده باشد. البته در مواردی امکان این مسئله هم وجود دارد که عمل نوجوان زیر ۱۸ سال را همانند جرم فرد بزرگسال در نظر گیرند که این مسئله بسته به نوع و شدت عمل مرتکب شده می‌باشد (معظمی، ۱۳۸۸: ۱۷).

بررسی آمارهای بزهکاری در ایران نیز نشان‌دهنده روند رو به افزایش شاخص‌های بزهکاری است. برای نمونه، بر پایه داده‌های اداره آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۴، شمار دزدی‌های عادی شامل دزدی وسایل نقلیه و لوازم آن، دزدی احشام و دزدی از اماکن، ۹۹۵۹۵ مورد بوده که با روندی صعودی به ۱۸۹۹۶۶ مورد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

با توجه به روند رو به رشد بزهکاری در ایران از یک سو و پیامدهای زیان‌بار آن مانند بالا رفتن هزینه‌های اجتماعی و شخصی، بررسی شناسایی علل و عوامل پیش‌بین در رفتارهای بزهکارانه از اهمیت به‌سزایی برخوردار است زیرا می‌تواند نقطه عطفی برای امر پیشگیری

باشد. در این پژوهش، به توصیف ویژگی‌های بزهکاری نوجوانان، طرح بعضی از عوامل پیش‌بین بزهکاری نظیر سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی پرداخته می‌شود. بررسی‌ها نشان داده‌اند که در پدیده بزهکاری نمی‌توان یک یا دو مورد از عوامل خطر ساز را به‌عنوان پیش‌زمینه برای فعالیت‌های بزهکارانه در نظر گرفت. به نظر می‌رسد ترکیبی از عوامل پیچیده خطر ساز در مراحل متفاوت رشد و نمو می‌تواند شانس رفتارهای ضداجتماعی و پرخاشگرانه را افزایش دهد (فرلونگ و موریسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰: ۸۱). از جمله این متغیرها در این پژوهش به بررسی نقش دو متغیر شخصیت و سبک‌های دل‌بستگی پرداخته شده است.

امروزه نظریه پنج عاملی شخصیت، یکی از مؤثرترین و باصرفه‌ترین نظریه‌های صفات محسوب می‌شود و در سال‌های اخیر به نظریه غالب در بین نظریه‌های صفات تبدیل شده است مک کری و کوستا، ۱۶ شخصیت را در امتداد پنج عامل اصلی، شامل روان رنجور خوئی<sup>۲</sup>، برون‌گرایی<sup>۳</sup>، انعطاف‌پذیری<sup>۴</sup>، توافق‌پذیری<sup>۵</sup> و وظیفه‌شناسی<sup>۶</sup>، توصیف کردند (مک کری و کوستا<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹؛ به نقل از کار<sup>۸</sup>، ۲۰۰۴: ۸۸۷).

نظریه‌ی اولیه بالبی درباره‌ی دل‌بستگی بر اساس تحلیل بالینی سوابق ۴۴ سارق نوجوان ارائه شد (بالبی، ۱۹۴۴: ۵۲-۱۹). او نتیجه‌گیری کرد که ۱۴ مورد فقدان عاطفه و گرمی را نسبت به انسان‌ها نشان می‌دهند، شرایطی که ناشی از محیط خانوادگی نامناسب در دوران کودکی و بستگی ضعیف کودک با والدین می‌باشد.

نظریه‌ی دل‌بستگی بالبی، مبانی پرخاشگری<sup>۹</sup> و بزهکاری<sup>۱</sup> را با نایمنی و نادلبستگی<sup>۲</sup> که به تعبیر بالبی، فقدان آشکار اعتماد و علاقه، نسبت به افراد مهم زندگی است، مرتبط می‌داند.

1. Furlong & Morrison

2. Neuroticism

3. Extraversion

4. Openness

5. Agreeableness

6. Conscientiousness

7. Mccrea, Costa

8. Carr

9. Aggression

بنا به فرض بالبی، زمانی که فرد ناامید است، خشم خود را در کودکی اولیه، در قالب «نادلبستگی پرخاشگرانه»<sup>۳</sup> و در مراحل آتی تحوّل، به صورت رفتار ضداجتماعی، به سمت محیط نشانه می‌رود (از بالبی، ۱۹۷۳: ۳۶). در مورد پسران، تاریخچه دل‌بستگی اجتنابی با پرخاشگری در دوره کودکی، در کلاس‌های اول، دوم و سوم همبستگی داشت. ترکیب دل‌بستگی اجتنابی و عاطفه منفی، در ۲۴ و ۴۲ ماهگی، به ترتیب در گروه دختران و پسران، همبستگی ۰/۴۱ و ۰/۲۹ را ارائه نمود (رنکن<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۸۹: ۵۱۵-۴۹۵). یافته‌های مربوط به دوره نوجوانی، به‌ویژه در ارتباط با پرخاشگری و بزهکاری پسران قوی‌تر بودند (اتکینسون و گلدبرگ؛ ترجمه خانجانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۳).

پژوهش‌ها به بررسی ارتباط میان سبک دل‌بستگی و تخلف جنسی پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد یکی از ویژگی دل‌بستگی‌های نایمن، نقص در مهارت‌های اجتماعی است که با فقدان مهارت‌های ارتباطی و برقراری روابط صمیمانه در بزرگسالی مشخص می‌شود و از این رو متخلفان جنسی جهت جبران این نقص، به جستجوی صمیمیت با کودکان می‌پردازند (مارشال<sup>۵</sup>، ۱۹۸۹: ۵۰۲-۴۹۱). متخلفان جنسی نسبت به متخلفان غیرجنسی (لاین و بارتون<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴: ۲۳) و افراد غیر خلاف‌کار (اسمالبون و دادز، ۲۰۰۰: ۱۲-۳) دل‌بستگی ایمن کمتری دارند، ولی سبک دل‌بستگی در انواع مختلف تخلفات جنسی به‌طور پایا تمیز دهنده نیست (لاین و بارتون، ۲۰۰۴: ۲۶).

آلن<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۰۲) در پژوهشی با بررسی سبک‌های دل‌بستگی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده مهارت‌های اجتماعی و رفتار بزهکارانه در ۱۱۷ نوجوان ۱۶ تا ۱۸ سال دریافتند که سبک دل‌بستگی ایمن، مهارت‌های اجتماعی را در نوجوانی افزایش می‌دهد، درحالی‌که سبک دل‌بستگی نایمن پیش‌بینی‌کننده بزهکاری طی این دوران است.

1. Delinquency
2. Detachment
3. Aggressive Detachment
4. Renken
5. Marshall
6. Lyn And Burton
7. Allen

ژوزف<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۲) سبک‌های دل‌بستگی را به‌عنوان یک متغیر پیش‌بین در بزهکاری نوجوانان مورد بررسی قرار دادند. نمونه‌ها شامل ۱۱۷ نوجوان در معرض خطر رفتارهای بزهکارانه بودند که در سنین ۱۶ تا ۱۸ سال قرار داشتند. نتایج نشان داد که سبک‌های دل‌بستگی ایمن یک عامل پیش‌بینی کننده برای داشتن مهارت‌های اجتماعی در نوجوانان بوده است اما دل‌بستگی نایمن عامل پیش‌بینی کننده قوی برای افزایش بزهکاری در دوران نوجوانی بوده است.

لاوب و سمسون<sup>۵</sup> (۱۹۸۸) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین دل‌بستگی والدین و عوامل زمینه‌ساز بزهکاری بر روی ۱۰۰۰ نوجوان بزهکار و عادی پرداختند. نتایج نشان داد که بین نظارت مادرانه، دل‌بستگی والدینی و سبک نظم و مقررات اعمال‌شده با بزهکاری و کج روی ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده و وجود پژوهش‌های ضدونقیض در زمینه‌ی ارتباط سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی با بزهکاری، هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی با بزهکاری است.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - همبستگی و گذشته‌نگر است. جامعه آماری این پژوهش شامل دو گروه از مددجویان مراکز اصلاح و تربیت و کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی مشغول به تحصیل در شهر اردبیل در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بودند. تشکیل می‌دهند. بدین منظور تعداد ۳۰ دانش‌آموز غیر بزهکار و ۱۵ دانش‌آموز بزهکار به ترتیب از مدارس عادی و مراکز تأدیبی به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌های دو گروه به لحاظ خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی و تحصیلات هم‌سازی شده بودند. گروه بزهکار با استفاده از روش غیر تصادفی در دسترس از میان کانون‌های تربیتی و تأدیبی انتخاب شدند. گروه غیر بزهکار نیز به روش تصادفی خوشه‌ای از بین دبیرستان‌های شهر اردبیل انتخاب شدند. بعد از انتخاب آزمودنی‌ها و پس از تشریح اهداف پژوهش و

<sup>۱</sup>. Joseph

جلب مشارکت آن‌ها، دو پرسشنامه سبک‌های دل‌بستگی هازن و شیور و پرسشنامه شخصیتی نئو در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که به‌دقت سؤالات را مطالعه نموده و پاسخ‌های موردنظر را متناسب با ویژگی‌های خود انتخاب نمایند.

### ابزار پژوهش

#### مقیاس سبک‌های دل‌بستگی هازن و شیور

مقیاس سبک‌های دل‌بستگی بزرگ‌سالان که با استفاده از مواد آزمون دل‌بستگی هازن و شیور ساخته شده و در مورد دانشجویان دانشگاه تهران هنجاریابی شده است، یک آزمون ۱۵ سؤالی است و سه سبک دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دو سو گرا را در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (خیلی کم-۱، کم-۲، متوسط-۳، زیاد-۴، خیلی زیاد-۵) می‌سنجد (سؤالات مربوط به سبک اجتنابی ۱-۲-۳-۴-۵؛ سبک ایمن ۶-۷-۸-۹-۱۰؛ و سبک دو سو گرا ۱۱-۱۲-۱۳-۱۴-۱۵ است). حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در خرده مقیاس‌های آزمون به ترتیب ۵ و ۲۵ خواهد بود. ضریب آلفای کرونباخ (پایایی) پرسش‌های خرده مقیاس‌های ایمن، اجتنابی و دو سو گرا در مورد یک نمونه دانشجویی (۱۴۸۰ نفر شامل ۸۶۰ دختر و ۶۲۰ پسر) برای کل آزمودنی‌ها به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۴، ۰/۸۵ (برای دانشجویان دختر ۰/۸۶، ۰/۸۳، ۰/۸۴ و برای دانشجویان پسر ۰/۸۴، ۰/۸۵ و ۰/۸۶) محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس دل‌بستگی بزرگ‌سال است. حاتمی (۱۳۸۹)، ضرایب توافق کندال (روایی) برای سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی و دو سو گرا به ترتیب ۰/۶۱/۸۰، ۰/۰ و ۰/۷۵ محاسبه نموده است.

#### پرسشنامه شخصیتی NEO فرم کوتاه (NEO - FFI)

تست NEOPI-R جانشین تست NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط پاول تی، کاستا و روبرت آر. مک کری تهیه شده است. پرسشنامه NEO - FFI فرمی از NEOPI-R می‌باشد که دارای ۶۰ سؤال می‌باشد که برای ارزیابی پنج عامل اصلی شخصیت روان آزرده خوبی، انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی، سازگاری، وجدانی بودن به کار می‌رود.

شارون<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۰۲) با استفاده از آلفای کرومباخ ضریب پایایی ۰/۸۶ برای روان رنجور خوئی و ۰/۷۷ برای برون گرایی، ۰/۷۳ برای انعطاف پذیری، ۰/۶۸ برای سازگاری و ۰/۸۱ برای باوجدان بودن، گزارش کردند.

آلفای کرومباخ به دست آمده توسط واین<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۳) بدین ترتیب است:  $E=0/86$ ،  $A=0/89$ ،  $C=0/60$ ،  $N=0/74$ ،  $O=0/76$ .

گروسی (۱۳۸۰) ضریب پایانی را در ایران برای عوامل C,A,O,E,N به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۷۵، ۰/۸۰، ۰/۷۹، ۰/۷۹ به دست آورده است و قره باغی (۱۳۸۲) ضریب آلفای کرومباخ به دست آمده کل پرسشنامه و پنج بعد C,A,O,E,N را به ترتیب ۰/۶۰، ۰/۷۹، ۰/۵۷، ۰/۳۲، ۰/۷۶، ۰/۶۰ به دست آورده است.

پس از گردآوری اطلاعات، داده‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS شدند و با استفاده از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی مورد تحلیل قرار گرفت.

---

1. Sharon

2. Vine

## یافته‌های پژوهش

نتایج توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهشی در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول (۱) - داده‌های توصیفی متغیرهای پژوهشی به تفکیک گروه‌های بزهکار و غیر بزهکار

| متغیر          | بزهکار |      |       | غیر بزهکار |      |       | کل |      |       |
|----------------|--------|------|-------|------------|------|-------|----|------|-------|
|                | N      | SD   | M     | N          | SD   | M     | N  | SD   | M     |
| روان رنجورخویی | ۱۵     | ۸.۱۶ | ۲۹.۸۰ | ۳۰         | ۶.۸۸ | ۲۴.۶۳ | ۴۵ | ۷.۶۵ | ۲۶.۳۶ |
| برونگرایی      | ۱۵     | ۳.۴۵ | ۳۱.۳۳ | ۳۰         | ۵.۱۴ | ۳۱.۲۳ | ۴۵ | ۴.۶۱ | ۳۱.۲۷ |
| انعطاف‌پذیری   | ۱۵     | ۷.۹۲ | ۲۶.۲۰ | ۳۰         | ۴.۳۲ | ۲۴.۷۷ | ۴۵ | ۵.۷۲ | ۲۵.۲۴ |
| سازگاری        | ۱۵     | ۵.۴۰ | ۲۲.۴۰ | ۳۰         | ۳.۴۴ | ۲۹.۵۳ | ۴۵ | ۵.۱۳ | ۳۲.۱۱ |
| وجدانی بودن    | ۱۵     | ۸.۸۳ | ۳۰.۱۳ | ۳۰         | ۴.۲۹ | ۳۲.۴۶ | ۴۵ | ۷.۶۵ | ۳۰.۹۱ |
| ایمن           | ۱۵     | ۲.۹۶ | ۱۰.۸۰ | ۳۰         | ۲.۳۱ | ۱۳.۹۳ | ۴۵ | ۲.۹۲ | ۱۲.۸۸ |
| اجتنابی        | ۱۵     | ۳.۰۲ | ۱۶.۱  | ۳۰         | ۳.۰۱ | ۱۲.۷۳ | ۴۵ | ۳.۳۸ | ۱۴.۹۸ |
| دوسوگرا        | ۱۵     | ۴.۷۶ | ۱۴.۵۳ | ۳۰         | ۳.۱۱ | ۱۳.۸۳ | ۴۵ | ۳.۷۰ | ۱۴.۰۷ |

جدول شماره یک بیانگر یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش هست. همان‌طور که از یافته‌ها مشخص می‌شود در عامل‌های شخصیتی روان رنجور خویی، انعطاف‌پذیری و سبک دل‌بستگی اجتنابی نمرات گروه بزهکاران بیشتر از افراد غیر بزهکار بود، ولی در متغیرهای سازگاری، وجدانی بودن و سبک دل‌بستگی ایمن، گروه غیر بزهکار نمرات بیشتری کسب کردند. در سایر متغیرها تفاوت بسیار اندک بود.

یافته‌های استنباطی این پژوهش دو تحلیل جداگانه آمده است، در هدف اول به پیش‌بینی بزهکاری نوجوانان پسر را بر اساس سبک‌های دل‌بستگی پرداخته شده است که نتایج آن در جداول زیر آمده است.

برای تحلیل این هدف روش تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شد. به طوری که سه سبک دل‌بستگی به روش ورود وارد معادله شدند که نتایج آن در جداول (۲) به نمایش در آمده است:



جدول (۲) - ضرایب مدل آزمون Omnibus

| گام ۱ | آماره خی دو | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|-------|-------------|------------|---------------|
| Step  | ۱۷.۵۳۱      | ۳          | ۰/۰۰۱         |
| Block | ۱۷.۵۳۱      | ۳          | ۰/۰۰۱         |
| Model | ۱۷.۵۳۱      | ۳          | ۰/۰۰۱         |

جدول فوق نشان می‌دهد که مقدار خی دو برابر با ۱۷.۵۳۱ است که تفاوت بین مدل منحصر به فرد ثابت و مدل کامل را نشان می‌دهد. با توجه به معنی داری این آزمون نتیجه گیری می‌شود که فرض صفر رد می‌شود، با رد شدن فرض صفر جدول نتیجه می‌گیریم که مجموع متغیرهای مستقل، پیش‌بینی برون‌داد را بهبود می‌بخشند.

جدول (۳) - خلاصه مدل لوجیت Model Summary

| نیکویی برازش | مجذور R کاکس و اسنل <sup>۱</sup> | مجذور R ناگلکرک <sup>۲</sup> |
|--------------|----------------------------------|------------------------------|
| ۳۰.۷۵۵       | ۰.۳۲۳                            | ۰.۴۴۸                        |

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد که شبه R<sup>2</sup> برای کاکس و اسنل معادل ۰.۳۲۳ و برای ناگلکرک برابر با ۰.۴۴۸ است. با توجه به مجذور ناگلکرک می‌توان گفت که مدل حدود ۴۵٪ از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کند.

جدول (۴) - آزمون هوسمر و لمشو

| گام | آماره خی دو | درجه آزادی | معناداری |
|-----|-------------|------------|----------|
| ۱   | ۲.۰۲۵       | ۷          | ۰.۹۵۸    |

<sup>۱</sup>. Cox & Snell R Square

<sup>۲</sup>. Nagelkerke R Square

با توجه به عدم معنی‌داری آزمون هوسمر لمشو ( $\chi^2=2.025; P>0.05$ ) نتیجه گرفته می‌شود که احتمال‌های پیش‌بینی شده با احتمال‌های مشاهده شده همخوانی دارد.

جدول (۵) - طبقه‌بندی گروه‌ها

| پیش‌بینی شده       | گروه   |            | مشاهده شده | گروه |
|--------------------|--------|------------|------------|------|
|                    | بزهکار | غیر بزهکار |            |      |
| درصد پیش‌بینی صحیح |        |            |            |      |
| ۸۳.۳               | ۵      | ۲۵         | غیر بزهکار | گروه |
| ۶۶.۷               | ۱۰     | ۵          | بزهکار     |      |
| ۷۷.۸               |        |            | درصد کل    |      |

نقطه برش ۰.۵ می‌باشد

نتایج آماره طبقه‌بندی نیز نشان داد که مدل ۸۳.۳ درصد افراد دارای جهت‌گیری گروه غیر بزهکار را به‌درستی پیش‌بینی کرده است. این مقدار برای افراد با جهت‌گیری گروه بزهکار معادل ۶۶.۷ درصد است. همچنین میزان پیش‌بینی کلی مدل نیز برابر با ۷۷.۸ درصد می‌باشد.

برای بررسی دقیق میزان رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک نتایج به‌دست آمده با توجه به اطلاعات جدول (۶) بررسی و گزارش می‌شود.

جدول (۶) - Variables in the Equation نتایج نهایی با توجه به معادله پیش‌بینی ملاک

| شاخص       | B      | S.E   | WALD  | DF | sig   | EXP(B) |
|------------|--------|-------|-------|----|-------|--------|
| ایمن       | -۰.۴۵۷ | ۰.۱۹۳ | ۵.۶۰۲ | ۱  | ۰.۰۱۸ | ۰.۶۳۳  |
| اجتنابی    | ۰.۳۲۵  | ۰.۱۱۳ | ۵.۹۶۹ | ۱  | ۰.۰۱۵ | ۱.۳۸۳  |
| دوسوگرا    | ۰.۱۰۸  | ۰.۱۱۸ | ۰.۸۳۷ | ۱  | ۰.۳۶  | ۱.۱۱۴  |
| مقدار ثابت | -۲.۵۷  | ۳.۰۹۷ | ۰.۶۹۰ | ۱  | ۰.۴۰۶ | ۰.۰۷۶  |

متغیرهای پیش‌بین: سبک‌های دل‌بستگی ایمن، اجتنابی، دوسوگرا

ضرایب معنی دار جدول (۶) نشان می دهد که دو سبک دل بستگی ایمنی و اجتنابی عضویت گروهی را به طور معنی دار پیش بینی می کنند.

با توجه به نتایج نسبت شانس در ستون آخر جدول می توان نتیجه گرفت که در مورد سبک دل بستگی ایمن، نسبت شانس معادل ۰.۶۳۳ است؛ بنابراین با توجه به بتای منفی این گونه نتیجه گیری می شود که کاهش ۱ واحد در میزان نمرات این سبک، شانس عضویت در گروه بزهکاران را تا ۰.۶۳۳ برابر بالا می برد.

این امر در مورد سبک دل بستگی اجتنابی نیز صادق است ولی با توجه به این که ضریب بتای آن مثبت است لذا افزایش یک واحد در این سبک احتمال بزهکاری را ۱.۳۳ واحد افزایش می دهد. نتایج برای سبک دل بستگی دوسوگرا معنی دار نیست. بدین ترتیب معادله رگرسیون را می توان این گونه نوشت:

$$\text{Group} = 0.325 (\text{دل بستگی اجتنابی}) + 0.457 (\text{دل بستگی ایمن}) - 0.457$$

در تحلیل دیگر این پژوهش به پیش بینی بزهکاری نوجوانان پسر بر اساس ویژگی های شخصیتی پرداخته شده است. برای تحلیل این هدف نیز از آزمون تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شد. بدین گونه که پنج عامل شخصیتی به عنوان متغیرهای پیش بین و عضویت در گروه بزهکاران و غیر بزهکار به عنوان متغیر ملاک وارد مدل رگرسیون شدند. ابتدا برای بررسی کلی مدل از آزمون omnibus استفاده شد که نتایج آن در جدول (۷) آمده است.

جدول (۷) - ضرایب مدل آزمون omnibus

| گام ۱ | آماره خی دو | درجه آزادی | سطح معنی داری |
|-------|-------------|------------|---------------|
| Step  | ۱۴.۴۰       | ۵          | ۰.۰۱۳         |
| Block | ۱۴.۴۰       | ۵          | ۰.۰۱۳         |
| Model | ۱۴.۴۰       | ۳          | ۰.۰۱۳         |

در جدول فوق مقدار خی دو برابر با ۱۴.۴۰ است که تفاوت بین مدل منحصر به فرد ثابت و مدل کامل را نشان می دهد. با رد شدن فرض صفر (عدم تأثیر معنی دار متغیرهای پیش بین بر

متغیر وابسته) جدول نتیجه می‌گیریم که مجموع متغیرهای مستقل، پیش‌بینی برونداد را بهبود می‌بخشند.

جدول (۸) - خلاصه مدل لوجیت Model Summary

| مجدور R ناگلکرک <sup>۲</sup> | مجدور R کاکس و اسنل <sup>۱</sup> | نیکویی برازش |
|------------------------------|----------------------------------|--------------|
| ۰.۳۸۰                        | ۰.۲۷۴                            | ۴۲.۸۹        |

با توجه به نتایج مجدور ناگلکرک نتیجه گرفته می‌شود که حدود ۳۸ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای پیش‌بین تبیین می‌شود.

جدول (۹) - آزمون هوسمر و لمشو

| معناداری | درجه آزادی | آماره خی دو | گام |
|----------|------------|-------------|-----|
| ۰.۰۵۷    | ۷          | ۱۳.۷۵۷      | ۱   |

نتایج آزمون هوسمر لومشو نشان می‌دهد که آماره نیکویی برازش معادل ۱۳.۷۵۷ بوده و غیر معنادار است لذا احتمال‌های پیش‌بینی شده و احتمال‌های مشاهده شده همخوانی دارند.

جدول (۱۰) - طبقه‌بندی گروه‌ها

| پیش‌بینی شده       |        | مشاهده شده |            |
|--------------------|--------|------------|------------|
| درصد پیش‌بینی صحیح | گروه   | گروه       |            |
|                    | بزهکار | غیر بزهکار | بزهکار     |
| ۹۳.۳               | ۲      | ۲۸         | غیر بزهکار |
| ۷۳.۳               | ۱۱     | ۴          | بزهکار     |
| ۸۶.۷               |        |            | درصد کل    |

نقطه برش ۰.۵ می‌باشد

<sup>۱</sup>. Cox & Snell R Square

<sup>۲</sup>. Nagelkerke R Square

نتایج آماره طبقه‌بندی نیز نشان داد که مدل ۹۳.۳ درصد افراد دارای جهت‌گیری گروه غیر بزهکار را به‌درستی پیش‌بینی کرده است. این مقدار برای افراد با جهت‌گیری گروه بزهکار معادل ۷۳.۳ درصد است. همچنین میزان پیش‌بینی کلی مدل نیز برابر با ۸۶.۷ درصد می‌باشد.

برای بررسی دقیق میزان رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک نتایج به‌دست‌آمده با توجه به اطلاعات جدول (۱۱) بررسی و گزارش می‌شود.

جدول (۱۱) - نتایج نهایی با توجه به معادله پیش‌بینی ملاک Variables in the Equation

| شاخص            | B      | S.E   | WALD  | DF | sig   | EXP(B) |
|-----------------|--------|-------|-------|----|-------|--------|
| روان‌رنجور خوبی | ۰.۱۴۸  | ۰.۰۶۸ | ۴.۶۸۳ | ۱  | ۰.۰۳۰ | ۱.۱۵۹  |
| برونگرایی       | ۰.۱۱۵  | ۰.۱۰۹ | ۱.۱۲۲ | ۱  | ۰.۲۸۹ | ۱.۱۲۲  |
| انعطاف‌پذیری    | -۰.۰۶۹ | ۰.۰۷۹ | ۰.۷۵۹ | ۱  | ۰.۳۸۴ | ۰.۹۳۴  |
| سازگاری         | -۰.۲۴۷ | ۰.۱۱۱ | ۴.۹۴۵ | ۱  | ۰.۰۲۶ | ۰.۷۸۱  |
| وجدانی بودن     | ۰.۰۶۹  | ۰.۰۶۴ | ۱.۱۷۷ | ۱  | ۰.۲۷۸ | ۱.۰۷۲  |
| مقدار ثابت      | -۰.۹۲۶ | ۴.۰۷۲ | ۰.۰۵۲ | ۱  | ۰.۸۲۰ | ۰.۳۹۶  |

متغیرهای پیش‌بین: روان‌رنجور خوبی، برونگرایی، انعطاف‌پذیری، سازگاری و وجدانی بودن

در جدول (۱۱) نتایج نشان می‌دهند که فقط ضرایب بتای دو عامل شخصیتی روان‌رنجور خوبی به‌طور مستقیم و سازگاری به‌طور معکوس معنی‌دار است. نسبت شانس ۱.۱۵۹ برای روان‌رنجور خوبی نشان از این می‌دهد که با افزایش یک واحد در این عامل، شانس عضویت در گروه مجرمان ۱.۱۵۹ برابر بالا می‌رود. همچنین با توجه به بتای منفی سازگار و نسبت شانس ۰.۷۸۱ برای آن، نتیجه گرفته می‌شود که با کاهش یک واحد در عامل سازگاری ۰.۷۸۱ برابر شانس عضویت در گروه بزهکاران افزایش پیدا می‌کند.

$$\text{Group} = 0.148 (\text{روان رنجور خوبی}) + (-0.247) (\text{سازگاری})$$

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور مقایسه سبک‌های دل‌بستگی و عوامل شخصیتی در گروهی از نوجوانان بزه‌کار و غیر بزه‌کار شهر اردبیل صورت گرفت. نتایج نشان از تفاوت معنی‌دار خرده مقیاس‌های دو متغیر در گروه‌های مورد مطالعه دارد.

در هدف این پژوهش نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که سبک دل‌بستگی ایمن به طور منفی و سبک دل‌بستگی اجتنابی به طور مثبت قادر به پیش‌بینی عضویت در گروه بزه‌کاری می‌باشد.

این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های اندرسون، هولمز و اوسترش (۱۹۹۹)، لیبر، میک و فیتز استون<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، میک و همکاران (۲۰۰۷) و اسمالپون و دادز (۲۰۰۰) است که سطوح بالای دل‌بستگی ناایمن را در متخلفان نسبت به غیر متخلفان نشان داده‌اند. همچنین پیش‌بینی معنی‌دار بزه‌کاری بر اساس دل‌بستگی اجتنابی نا همسو با نتایج پژوهش حقیقت منش و همکاران (۱۳۸۹) و وارد و همکاران (۲۰۰۶) است که نشان دادند این نوع دل‌بستگی رابطه‌ی معنی‌داری با تجاوز ندارد.

افرادی که ارتباطات اولیه ایمن در دوران کودکی داشته‌اند، نگرش مثبت به خود داشته و روابط خود را با دیگران به طور صمیمی و لذت‌بخش می‌بینند؛ بنابراین مدل‌کاری درونی به طور فعالانه خود تداوم‌بخش هستند، به طوری که موجب می‌شوند افراد در گرایش به افراد سوگیری داشته باشند و به سمت اطلاعات ورودی و افرادی گرایش داشته باشند که عقاید فعلی آن‌ها را تأیید می‌کند. لذا این دید مثبت موجب می‌شود که افراد دل‌بسته‌ی ایمن به سمت تجارب مثبت رفته و از تجارب بزهکارانه دوری جویند.

آغاز اخلاقیات که با ظرفیت داشتن احساسات همدلانه نسبت به آشفته‌گی انسان‌های دیگر یا میل به اجابت جهت‌گیری‌های والدینی مشخص می‌شود، به طور نزدیک با اشکال دل‌بستگی اولیه در ارتباط است (ون‌این‌زندون<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۷: ۴۵۹-۴۴۹). در

<sup>۱</sup> - Leiber, Mack and Featherstone

<sup>۲</sup> - Van IJzendoorn

دل‌بستگی اجتنابی چنین ظرفیتی دیده نمی‌شود، لذا در جرم که یکی از نشانه‌های آن عدم درک رنج طرف مقابل است، این افراد بیشتر از جمعیت غیر بزهدار مرتکب می‌شوند. حدود ۷۵ درصد از متخلفان در یکی از دو طبقه نایمن (نوع اجتنابی و غیرقابل طبقه‌بندی) قرار دارند (ومپلر و داونز<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۱۰۷). همچنین زگرس و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که تنها ۷ درصد از نوجوانان موجود در موسسه‌های تربیتی دارای وضعیت دل‌بستگی ایمن بود که این یافته نقطه مقابل یافته‌های به‌دست آمده از نمونه‌های غیر بالینی است که در جمعیت نرمال والیس و استیل (۲۰۰۱) دل‌بستگی ایمن را ۴۸ درصد به دست آوردند.

در دل‌بستگی اجتنابی شاهد جدایی کودکی از والدین و به‌نوعی از خودیگانگی هستیم (ومپلر و داونز، ۲۰۱۰: ۱۱۹-۱۰۷) که این از خودیگانگی هم پیش‌بینی کننده‌ی بزه‌کاری و هم پرخاشگری است؛ که به نظر می‌رسد این ویژگی زمانی به جرم ختم خواهد شد که عوامل زمینه‌ای دیگری مانند اطمینان، ارتباطات و غیره نیز وجود داشته باشد. افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن در موقعیت‌های پرفشار می‌توانند با موقعیت کنار آمده و با آرامش نسبت به این موقعیت‌ها برخورد نمایند، ولی افراد دل‌بسته اجتنابی تمایل دارند در مقابل دیگران حالت تدافعی گرفته و نسبت به آن‌ها حالتی خشن و خصومت نشان دهند. این افراد به دلیل عدم احساس نیاز به روابط عاطفی ارتباط دل‌بستگی با دیگران به نحوی متمایز رفتار می‌کنند، به نحوی که به ارتباط با دیگران اهمیت نمی‌دهند و به نحوی برخورد می‌کنند که ادامه ارتباط برای آن‌ها مهم نیست؛ و از سوی دیگر خصومت این افراد می‌تواند موجب آسیب‌هایی در دیگران شده و بزه رخ دهد.

در مورد هدف دوم نیز نتایج نیز نشان داد که روان رنجور خوبی به‌طور مثبت و سازگاری به‌طور منفی قادر به پیش‌بینی عضویت در گروه بزه‌کاری می‌باشد. پیش‌بینی معنی‌دار بزه‌کاری توسط روان رنجور خوبی همسو با پژوهش هیون و همکاران (۲۰۰۴) است که نشان داده‌اند در افراد بزهدار، روان رنجور خوبی دارای سطوح بالاتری است. این یافته با بخشی از یافته‌های به‌دست آمده از پژوهش جولیف (۲۰۱۳) مبنی بر پیش‌بینی معنی‌دار

<sup>1</sup> - Wampler, Downs

بزهکاری توسط سازگاری همسو و با بخشی از مبنی بر پیش‌بینی معنی‌دار بزهکاری توسط وجدانی بودن ناهم‌سو می‌باشد. همچنین این یافته همسو با نتایج فرا تحلیل لاینم و درفینکو (۲۰۰۶) همسو است. آن‌ها بر روی ۱۱ مطالعه‌ای فرا تحلیل انجام دادند که افراد ضداجتماعی را بر اساس مقیاس مدل پنج عاملی مورد بررسی قرار داده بودند. اندازه اثر وزنی برای سازگاری در بیشترین میزان (۰.۵۲-) قرار داشت. در این فرا تحلیل روان رنجور خویی (اندازه اثر برابر با ۰.۱۶) پیش‌بین متوسطی برای رفتار ضداجتماعی بود که این نیز همسو با پژوهش حاضر است. علاوه بر این وجدانی بودن نیز در این فرا تحلیل با رفتار ضداجتماعی ارتباط معنی‌دار داشت (اندازه اثر برابر با ۰.۳۸-) که غیرهمسو با یافته‌های پژوهش حاضر است، یافته‌ی مشابه دیگری که در فرا تحلیل مذکور نیز ذکر شده است عدم ارتباط معنی‌دار دو بعد برونگرایی و انعطاف‌پذیری با رفتار ضداجتماعی است.

بعد روان رنجور خویی در نظریه آیزنک همسان با عامل روان رنجور خویی در مدل پنج عاملی است (کاستا و همکاران، ۱۹۹۱: ۸۹۵)، افرادی که نمره‌ی بالا در روان رنجور خویی کسب می‌کنند دارای سیستم سمپاتیک با فعالیت سریع و سیستم پاراسمپاتیک با فعالیت کند هستند؛ بنابراین، روان رنجورها به آسانی برانگیخته می‌شوند و واکنش ناسازگار قوی‌تر و بادوام‌تری را نسبت به محرک‌های محیطی منفی نشان می‌دهند (استرس). بر طبق نظریه‌ی آیزنک، جرم با روان رنجور خویی بالا در ارتباط است. او روان رنجور خویی را به‌عنوان هدایتگر رفتار معرفی می‌کند. تحت شرایط استرسی، احتمال کمتری وجود دارد که افراد نتیجه‌ی اعمال خود را در نظر بگیرند و به احتمال بیشتری الگوی پاسخ‌های تکراری و عاداتی ارائه دهند؛ بنابراین، بی‌ثبات هیجانی پیش‌بینی‌کننده‌ی هرگونه گرایش‌های ضداجتماعی در افراد می‌باشد (ورتلی، ۲۰۱۱: ۹۹). همچنین از ویژگی‌های روان رنجور خویی، فعالیت سیستم اعصاب خودمختار بالا است که واکنش‌های هیجانی شدید را در پی دارد، لذا این افراد به‌راحتی در موقعیت‌ها برانگیخته‌شده و احتمال ارتکاب بزه افزایش می‌یابد.



سردی هیجانی و خودخواهی از نشانه‌های سازگاری پائین است و توصیف‌کننده‌ی همدلی پائین است. فقدان همدلی به‌طور کلی با تخلفات مردان به‌ویژه تخلفات جدی و خاص در ارتباط است (هیر، ۱۹۹۶: ۲۶).

پژوهش حاضر حاکی از پیش‌بینی معنی‌دار بزهکاری بر اساس سبک‌های دل‌بستگی ایمن و اجتنابی بود، بنابراین می‌توان برنامه‌های آموزشی برای خانواده‌ها تدوین نمود که در آن به خانواده‌ها آموزش داده شود تا به نحوی با فرزندان برخورد نمایند که موجب ایجاد دل‌بستگی ایمن در فرزندان شده و دل‌بستگی ناایمن اجتنابی شکل نگیرد. یکی از روش‌هایی که اخیراً مطرح شده است، روش دل‌بستگی درمانی است که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی از این روش درمانی بر روی بزهکاران استفاده نموده و اقدام به بازسازی دوباره‌ی دل‌بستگی در افراد نمایند. همچنین دو صفت شخصیتی روان رنجور خوئی و سازگاری نیز به‌طور معنی‌دار قادر به پیش‌بینی بزهکاری می‌باشند که این یافته‌ها نیز می‌تواند مورد توجه روان‌شناسان قانونی و روانشناسان زندان قرار گیرد.

از محدودیت‌های این پژوهش استفاده از ابزار خود گزارشی و نیز استفاده از گروه بزهکار رسمی است که پیشنهاد می‌شود پژوهش‌هایی با استفاده از مقیاس‌های خود گزارشی بزهکاری انجام گیرد.

### **پیشنهادهای پژوهش**

از یافته‌های این پژوهش می‌توان در حیطه‌ی آموزش و پرورش و همچنین مهدهای کودک به‌منظور پرورش بهتر نوجوانان استفاده کرد و در مراکز تأدیبی از جمله کانون اصلاح و تربیت و زندان‌ها استفاده نمود.

پلیس و زندان‌ها به‌تبع برخورد با مجرمین و بزهکاران با علم و شناخت به اینکه این افراد ساختار شخصیت و دل‌بستگی و نیز سبک‌های فرزند پروری معیوبی داشته‌اند رفتارهای متناسب به این افراد داشته باشند و در مراکز بازپروری و نگهداری این مجرمین تلاش گردد با استفاده از کارشناسان دخیل در این امر شرایط برای اصلاح این افراد فراهم گردد.

دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله اداره بهزیستی و صداوسیما و پلیس با مشارکت هم‌کارگاه‌های آموزشی در سطح استانی و ملی در خصوص آموزش شیوه‌های صحیح دل‌بستگی برگزار نمایند تا با اتخاذ روش‌های صحیح دل‌بستگی و فرزند پروری از طرف والدین بتوانیم زمینه‌های ارتکاب بزهکاری و جرائم در جامعه را ریشه کن نماییم.

### فهرست منابع

- حاتمی ورزنده، ابوالفضل (۱۳۸۹)، بررسی نقش واسطه‌ای سبک دل‌بستگی در رابطه بین سبک فرزند پروری و تعهد زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اتکینسون، لسلی و سوزان گلدبرگ (۱۳۹۱)، «رویکرد دل‌بستگی در درمان اختلال‌های روانی»؛ ترجمه زینب خانجانی، فاطمه هداوندخانی و محمد رسول مفسری؛ انتشارات کتاب ارجمند؛ تهران؛ چاپ اول.
- حقیقت منش، الهه؛ آقامحمدیان شعرباغ، حمیدرضا؛ قنبری هاشم آبادی، بهرام‌علی؛ مهram، بهروز (۱۳۸۹)، بررسی سبک‌ها و ابعاد دل‌بستگی بزرگ‌سالان در تجاوزگران جنسی و مقایسه آن با افراد عادی. مطالعات تربیتی و روانشناسی، ۱ (۱) ۱۱، ۲۷۹-۲۹۶.
- عبدالله زاده، بیانه (۱۳۸۶)، مقایسه بین عوامل شخصیتی، سبک‌های حل مسئله و میزان استرس تجربه‌شده میان افراد وابسته به مواد و افراد بهنجار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه تبریز.
- برک، لورا. ای (۲۰۰۱)، روانشناسی رشد از نوجوانی تا پایان زندگی، (جلد دوم). ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۲)، تهران: نشر ارسباران.
- گروسی فرشی، میرتقی (۱۳۸۰)، رویکردهای نوین در ارزیابی شخصیت. تبریز، نشر جامعه پژوه، نشر دانیال.
- معظمی، شهلا (۱۳۸۸)، بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، دادگستر، چاپ اول.
- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۸۶.
- قره‌باغی، حسین (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین عوامل شخصیتی و رضایت شغلی کارکنان کارخانه تراکتورسازی ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز.

- Allen, J.P. & et al. (2002). Attachment and autonomy as predictors of the development of social skills and deviance during mid-adolescence. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 70, 56–66.
- Anderson, B.J., Holmes, M.D. and Ostresh, E. (1999) 'Male and female delinquents' attachments and effects of attachments on severity of self-reported delinquency', *Criminal Justice and Behavior*, 26: 435 – 52
- Bowlby, J. (1944) 'Forty-four juvenile thieves: their character and home-life', *International Journal of Psychoanalysis*, 25: 19 – 52.
- Bowlby, J. (1973). *Attachment and loss, Vol. 2: Separation*. New York: Basic Books.
- Collins, N. L. & Read, S. J. (1993). Cognitive representations of attachment: The structure and function of working models. In D. Perlman & K. Bartholomew (Eds.), *Advances in personal relationships, Vol 5. Attachment processes in adulthood*. London: Jessica Kingley...
- Carr, A. (2004). *Positive psychology: The science of happiness and human strengths*. New York: Brunner-Routledge.
- Costa, P. T. McCrae, R. R. & Dye, D. A. (1991). Facet scales for agreeableness and conscientiousness: A revision of the NEO personality inventory. *Personality and Individual Differences*, 12, 887–898...
- Furlong, M. & Morrison, G. (2000). The School in School Violence. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 8, 71-82.
- Heaven, P.C. Mak, A. Newbury, K. (2004). The Impact of Adolescent and Parental characteristics on Adolescent levels of Delinquency and Depression. *Personality and Individual Differences*, 36, 173-185.
- Hare, R. (1996). Psychopathy: A clinical construct whose time has come. *Criminal Behavior and Mental Health*, 23, 25–54.
- Jolliffe, D. (2013) Exploring the relationship between the Five-Factor Model of personality, social factors and self-reported delinquency. *Personality and Individual Differences* 55: 47–52.
- Joseph P. Allen, Penny Marsh, Christy McFarland, Kathleen Boykin McElhaney, and Deborah J. Land (2002). Attachment and Autonomy as Predictors of the Development of Social Skills and Delinquency during Midadolescence. *J Consult Clin Psychol*. 2002 February; 70(1): 56–66.

- Jolliffe, D. & Farrington, D. P. (2004). Empathy and offending: A systematic review and meta-analysis. *Aggression & Violent Behavior*, 9, 441-476.
- Leiber, M.J., Mack, K.Y. and Featherstone, R.A. (2009) 'Family structure, family processes, economic factors, and delinquency: similarities and differences by race and ethnicity', *Youth Violence and Juvenile Justice*, 7: 79 - 99.
- Lynam, D.R. and Derefinko K.J. (2006) 'Psychopathy and personality', in C.J. Patrick (ed.) *Handbook of Psychopathy*. New York: Guilford Press.
- Laub, J.H. & Sampson, R.J. (1988). Unraveling families and delinquency. A reanalysis of the glueck's data. *Criminology*, 26(3), 355-379.
- Lyn, T.S. and Burton, D.L. (2004) 'Adult attachment and sexual offender status', *American Journal of Orthopsychiatry*, 72: 150 - 9.
- Mack, K.Y., Leiber, M.J., Featherstone, R.A. and Monserud, M.A. (2007) 'Reassessing the family-delinquency association: do family type, family rocesses, and economic factors make a difference?' *Journal of Criminal Justice*, 35: 51 -67.
- Marshal, W.L. (1989) 'Intimacy, loneliness and sexual offenders', *Behaviour Research and Therapy*, 27: 491 - 503.
- Shader, M. (2002). Risk Factors for Delinquency: An Overview. Retrieved October 20, 2008, from <http://www.ncjrs.gov/pdffiles1/ojjdp/frd030127.pdf>.
- Smallbone, S.W. and Dadds, M.R (2000) 'Attachment and coercive sexual behavior', *Sexual Abuse: A Journal of Research and Treatment*, 12: 3 - 15.
- Rankin, J., and Kern, R. (1994) 'Parental attachments and delinquency', *Criminology*, 32: 495 - 515.
- Van IJzendoorn, M. H. Feldbrugge, J. T. T. M. Derks, F. C. H. DeRuiter, C. Verhagen, M. F. M. Philipse, M. W. G. et al. (1997). Attachment representations of personality disordered criminal offenders. *American Journal of rthopsychiatry*, 67, 449-459.
- Wallis, P. & Steele, H. (2001). Attachment representations in adolescence: Further evidence from psychiatric residential settings. *Attachment and Human Development*, 3, 259-268.
- Wampler, R.S. Downs A.B. (2010) Parent and Peer Attachment in Minority Males at High Risk for Delinquency. *Clin Soc Work J* (2010) 38:107-119.
- Ward, T. Polaschek, D. L.L. Beech, A.R. (2006). *Theories of sexual offending*. England: Wiley.

- Wortley, R. (2011) Psychological Criminology An integrative approach. New York. Routledge: 96-106.
- Zegers, M. A. M. Schuengel, C. Van IJzendoorn, M. H. & Janssens, J. M. A. M. (2006). Attachment representations of institutionalized adolescents and their professional caregivers: Predicting the development of therapeutic relationships. American Journal of Orthopsychiatry, 76, 325-334.